

یادداشت

مناسبات ایران و یمن از نگاه شاهنامه

مهدی افشار

● رابطه ایران با یمن که در شاهنامه دشت نیزه‌وران و هاماوران خوانده شده، به هزاران سال پیش بازمی‌گردد؛ زمانی که ایرانیان به جهت آزدگی از جمشید، ضحاک را به ایران دعوت کردند تا در جای جمشید بنشیند که خود بلای جان ایرانیان شد.

و نیز آن‌گاه که کیکاووس یمن را فتح کرد، پادشاه یمن برای بازپس‌گیری تاج‌وتخت خویش به اکراه دختر زیبایش، سودابه، را به پیوند ازدواج کیکاووس درآورد که بعدها همین سودابه موجب شد سیاوش ایران را ترک کرده، راهی توران‌زمین شود و سرانجام به کشته‌شدن سیاوش انجامید. سومین‌باری که در شاهنامه از یمن یاد می‌شود، به روزگار یزدگرد ائیم بازمی‌گردد که پیرامونیان یزدگرد آزرده از آزار و خشونت پادشاه، از آنکه فرزندش نیز خلق‌وحوی پدر را گیرد، تصمیم می‌گیرند به هر ترتیبی شده، بهرام را از پدر دور گردانند و او را روانه یمن کرده، به نعمان و فرزند او، منذر می‌سیارند و از او بزرگمردی توانا و مقتدر و البته زن‌باره می‌پرورند.

اما تأثیرگذارترین رابطه بین ایران و یمن در روزگار انوشیروان شکل می‌گیرد؛ زمانی که انوشیروان پس از سرکوب بلوچان در راه بازگشت به مدائن است و در این هنگام منذر، حاکم وقت یمن، به محضر انوشیروان به دادخواهی می‌آید و از آزار و ستم رومیان شکوه می‌کند.

جهان‌بیده منذر زبان برگشاد ز روم و ز قیصر همی کرد یاد

بدو گفت اگر شاه ایران تویی نگهدار پشت

دلبران تویی

چرا رومیان شهریاری کنند به دشت سواران سوری کنند

انوشیروان با آگاهی از رفتار غیرانسانی و ستمگرانه رومیان نسبت به مردم یمن سخت آزرده شد و فوراً از لشکر خویش پهلوانی زبان‌آور را برگزید و به نزد قیصر فرستاد با این هشدار که یا از گلیم خویش قراتر نگذارد و دیگر هرگز متعرض تازیان نشود.

فرستاده قیصر چون پیام کسری برگزاد، قیصر طریق فریب و نیرنگ در پیش گرفت و گفت شاه ایران کم‌خرد است که سخن مندر بی‌خرد را باور می‌کند. منذر سودای آن دارد که دو قدرت منطقه را رودرو ی یکدیگر قرار دهد و به جهت همین دادخواهی با منذر چنان خواهم کرد که در دشت نیزه‌وران دیگر کسی سر بلند نکند.

کسری به خشم آمده، به مشاوران خود گفت که در قیصر مغز با خرد بیگانه است، به او می‌آموزم که از چه کسی باید فرمان بگیرد. برآشف‌ت کسری به دستور گفت که با مغز قیصر خرد نیست جفت

من او را نامیم که فرمان کراست جهان جستن و جنگ و پیمان کراست انوشیروان فرمان داد تا سپاه گرد آید و از درگاه شهریار آوای کوس برخاست و زمین از جنبش سپاهیان به رنگ قیر درآمد و آسمان چون آبنوس سیاه شد. آن‌گاه از میان سپاهیان ۳۰ هزار شمشیرزن بی‌هماند برگزید و به منذر سپرد و فرمان داد به یاری این سپاه از دشت نیزه‌وران به روم رفته و آن مرزوبوم را به آتش کشد.

ادامه در صفحه ۱۳

روایتی از مراسم نوروز در استان کردستان

آتش‌ها در کوهستان‌ها



سمیرا حسینی: «هه‌لاوه مه‌لاوه»، «هه‌لاوه مه‌لاوه» بچه‌ها در کوچه با صدای بلند این جمله کردی را پشت هم تکرار می‌کردند و به هر خانه‌ای که نزدیک می‌شدند، صدایشان بلندتر می‌شد. آنها این‌قدر این جمله را تکرار می‌کردند تا صاحبخانه در را باز کند و به آنها که مژه‌ه عید را آورده بودند، عیدی بدهد. آنها آمده بودند که آیین «هه‌لاوه مه‌لاوه» را که یک رسم قدیمی در کردستان است، به جا بیاورند؛ آیینی که چند روز قبل از عید نوروز شروع می‌شود و تا روز عید ادامه دارد. به یکی از خانه‌ها که نزدیک شدند، صاحبخانه با ظرفی پر از شیرینی و شکلات، تخم‌مرغ‌های رنگی و آجیل، در را به روی بچه‌ها باز کرد و آنها با صدای بلندتر از قبل شعر را این‌طور ادامه دادند: «شتیک‌مان بو بخه‌نه تن تاوه، یا خودا کوره‌که‌تان بیی به زاوا، کیچ‌تان نه‌یی به چاوا»؛ یعنی «هدیه نوروزی را برایمان بیاورید و امیدواریم پستران داماد شود و دخترتان چشم نخورد». و صاحبخانه به هر یک مشت‌ی آجیل و شکلات و یک تخم‌مرغ رنگی هدیه داد، دختر بچه‌ها آنها را در دامن رنگی لباسشان جا دادند و پسرها آنها را در جیب شلوار گردشان گذاشتند و آوازخوان به سمت خانه بعدی روانه شدند.

هر گوشه از کردستان را که نگاه می‌کردی، رنگ بود؛ نه تنها طبیعت زیبای کردستان در آن روز خودنمایی می‌کرد، بلکه لباس رنگی زنان نیز چهره خاصی به شهر بخشیده بود. روز چهارشنبه‌سوری یا به قول خودشان «چوارشه‌مه کوله» بود و خانواده‌ها بعد از برگشتن از سر کار برای اجرای مراسم چهارشنبه‌سوری راهی دشت و صحرا می‌شدند. هر گوشه از طبیعت کردستان را که نگاه می‌کردی، دسته‌ای همراه خانواده و دوستان خود مشغول جشن و پایکوبی بودند. از کنار یکی از خانواده‌ها که رد می‌شدم، زنی را دیدم که در حال قیچی‌کردن سوی دخترش بود، از او علت این کار را پرسیدم در پاسخ گفت: «یا این کار دردها و ناراحتی‌ها را در سال جدید دور می‌اندازیم». این را که گفت قیچی را از او گرفتم و من هم چند تار از موهایم را قیچی کردم و به دست باد سپردم تا ناراحتی‌هایم را با خود ببرد و سال خوبی را آغاز کنم.

البته همه مردم کردستان به این شکل چهارشنبه‌سوری را جشن نمی‌گیرند؛ در برخی دیگر هوسا تاریک بود؛ تعداد زیادی از خانواده‌ها همچنان در دشت، دور آتشی که به پا کرده بودند، مشغول رقص و آواز بودند، به شهر که نزدیک شدیم مردم با همان لباس‌های رنگی در رفت‌وآمد بودند. در یکی از کوچه‌های شهر که تقریباً خلوت بود، دختر جوانی گوشش را به در خانه همسایه چسبانده بود، به صحبت‌هایشان گوش می‌داد؛ فالگوش نیز از دیگر رسم‌های این روزها در کردستان است و پایه‌پای تاریک‌شدن هوا، دختران و پسران به آرامی و به‌طوری‌که دیگران متوجه هدف آنها نشوند، به در خانه همسایه‌ها می‌روند و به سخنان آنها گوش می‌دهند. اگر در میان گفته‌ها جمله‌هایی شنیده شود که مبنی‌بر تأیید نیت شنونده باشد، آن را به فال نیک می‌گیرند و اگر نبود فال بد بوده است. این کار را تا سه‌بار در سه خانه انجام می‌دهند.

بالاخره روز موعود، یعنی نوروز که برای کُردها اهمیت ویژه‌ای دارد، رسید. زن و مرد، دختر و پسر همه لباس‌های کردی نوی خودشان را به تن کردند. با تارک‌شدن هوا، آتش‌ها یکی پس از دیگری جلوی خانه‌ها روشن می‌شد و صدای انفجار ترقه از هر خانه و کوچه‌ای به گوش می‌رسید. یک آتش بزرگ هم در اصلی‌ترین مکان شهر به پا بود که زن و مرد دور آن جمع شده بودند و بعد تعدادی از جوانان مشعل‌های خود را با شعله آتش بزرگی که به پا بود، روشن کردند و دنبال هم به راه افتادند؛ مانند ستاره‌ای درخشان هنگام بالارفتن از تپه و پشت‌بام‌ها می‌درخشیدند و با نور آن همه‌جا را روشن کرده بودند. شعله‌های آتش که روشن شد، مراسم اصلی با ساز و رقص کُردی آغاز شد. البته در برخی از شهرها مانند قروه رسم بر این است که دیگر همسایه‌ها به پشت‌بام خانواده عزادار می‌روند و آتش روشن می‌کنند و در روز عید نیز ناهار را که معمولاً پلوخورش است، به خانه همسایه عزادار می‌برند. شام شب عید در بیشتر نقاط کردستان حلواست. همچنان که ایرانیان باستان سال نو را با خوردن شکر و عسل آغاز می‌کردند، اهالی کردستان نیز با خوردن حلوا کنار شام شب عید سال جدید را به کام خود شیرین می‌کنند.

کوسه و کوسه‌زن
صدای سازودهل که به گوشمان رسید، دو نفر با لباس‌های عجیب و صورت‌هایی که آن را نقاشی کرده بودند نمایان شدند و شعر و آواز می‌خواندند. آنها «کوسه» و «زن کوسه» بودند. کوسه‌گردی از جمله بازی‌ها و نمایش‌هایی است که تا دو دهه پیش به‌عنوان مقدمه نوروز در استان کردستان برگزار می‌شد. فردی از اهالی روستا (معمولاً شبان روستا) که ظاهری غیرعادی و درعین‌حال مضحک به خود می‌دهد. کوسه، شاخ‌هایی از چوب و داس برای خود درست کرده و ریشی از پنبه یا پشم و سیل درازی از موی بز می‌سازد. کوسه و زنش به همراه جمعی از جوانان شروع به گشت‌زنی می‌کنند و موجب شوخی و خنده مردم می‌شوند. آنها آن‌قدر آنجا می‌مانند، می‌رقصدند و مردم را می‌خندانند تا به آنها هدیه‌ای بدهند و آنجا را به مقصد دیگری ترک کنند.

البته این تنها مراسم در شب عید کردستان نیست. یکی دیگر از مراسمی که کودکان به آن خیلی علاقه دارند، مراسم شال‌اندازی است. آنها شال‌دور کمرشان را که اغلب شال لباس کُردی است از بالای پشت‌بام در جلوی پنجره خانه همسایه‌ها آویزان می‌کنند و با خواندن شعر می‌خواهند به آنها عیدی بدهیم. بعد از گذاشتن هدایا در داخل شال توسط صاحبخانه که شامل پول، تخم‌مرغ رنگی، میوه و شکلات و شیر می‌شود، کسی که شال را پایین فرستاده با صدای «هه‌لیکیشه» (بکش بالا) صاحبخانه، آن را بالا می‌کشد. امروز با وجود تغییر بافت ساختمان‌ها، این رسم همچنان برقرار است و جوانان شال را از پشت‌بام و از مقابل پنجره‌های ساختمان پایین می‌کشند و همچنان هدایای خود را از صاحبخانه دریافت می‌کنند.در کردستان این جشن و پایکوبی‌ها و به‌پاکردن آتش تا روز ۱۳ فروردین ادامه دارد و در پایان روز ۱۳ فروردین مراسم خاصی مانند پرت‌کردن سنگ به پشت‌سیرشان و گره‌زدن سبزه و ... را انجام می‌دهند و جشن نوروز را به پایان می‌رسانند.

نوروز در افسانه و تاریخ کردستان

در فرهنگ شفاهی و اسطوره‌های قوم کُرد، عید نوروز به داستان جدال «که‌موورس» (کیومرث) با اهریمن نسبت داده می‌شود. اهریمن با کیومرث که نژادش کُرد بوده به دشمنی پرداخت و جنگ در کوهستان‌های «رواندز» آغاز و قرار شد سپاه او در صورت پیروزی بر لشکر اهریمن، بر ستیخ کوه‌ها و بالای تپه‌ها، گردنه‌ها، برج‌هایی از آتش برافروزند. سرانجام ۱۰ روز قبل از نوروز امروزی، آتش بر بالای کوه‌ها زبانه می‌کشد و پادشاه فرمان می‌دهد نهن‌تها آن روز، بلکه ۹ شبانه‌روز پس از آن را نیز همراه با افروختن آتش به جشن و سرور بپردازند و به همین دلیل این عید را «جه‌زنی نو روژه» (عید نه روز) نامیده‌اند.در افسانه‌ای دیگر، عید نوروز را به پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک و برتخت‌نشاندن فریدون نسبت می‌دهند. بر اساس این افسانه، ضحاک که بر دوش خود دو مار حمل می‌کند، کردستان را اشغال می‌کند تا اینکه کاوه آهنگر با یاری گروهی از ستم‌زدگان را‌دمرد تصمیم به کشتن ضحاک می‌گیرند. پس از این واقعه، مردم بعد از سال‌ها ظلم و ستم ضحاک، باز رسم دیرین «که‌موورس» را زنده می‌کنند و مدت ۲۰ شبانه‌روز به شادی و سرور می‌پردازند.

جامعه

نگاه

نوروزگاه‌های واقعی جامعه

امان‌الله قرانی‌مقدم *

● مه به مه‌پاره گفت، نوروز جهانی شد
ای مردم سیاره، نوروز جهانی شد
(دولتمند خالت، خواننده معروف تاجیک)
خبر شبکه تهران در روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۱۱/۳ حاکی از آن بود که خوشبختانه، شهرداری تهران برای اولین بار در نظر دارد امسال مراسم نوروز باستانی و ملی را در میدان راه‌آهن، امیریه، میدان ولیعصر، خیابان ولیعصر و میدان تجریش برگزار کند و به میان مردم و نوروزگاه‌های واقعی جامعه ببرد که بسیار موجب خرسندی و از لحاظ مردم‌شناسی فرهنگی و حفظ و پاسداری از میراث فرهنگی و انتقال آن به کودکان، نوجوانان وجوانان و انتقال آن به نسل آینده بسیار بااهمیت و اثرگذار است زیرا علاوه بر آنکه انتقال میراث فرهنگی از نسل گذشته به آینده را عملاً نشان می‌دهد، موجب می‌شود تا فرزندان این کشور از گرایش به برگزاری جشن‌های بیگانه که به علت کم‌توجهی مسئولان هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود و در نتیجه موجب فروریختگی فرهنگی و انومی اجتماعی و بیگانه‌پرستی می‌شود، جلوگیری به‌عمل آید و ایرانی بنامین و هویت ملی و میهنی خود را حفظ کنیم؛ همان کاری که ژاپن بعد از جنگ دوم و هجوم فرهنگی غرب به عمل آورد و ژاپنی باقی ماند، بدون آنکه از تمدن غرب عقب بماند؛ یا کره‌جنوبی، یا هند. زیرا نوروز باستانی به عنوان مهم‌ترین و گران‌بهارین میراث و هویت ملی و فرهنگی و اجتماعی ایرانیان و همچنین، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و بخارا و سمرقند چوقند، قزاقستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان، اقلیم‌کردستان عراق، ارمنستان و همه کسانی که از جیحون و سیحون و آمودریا تا غرب ایوان مدائن و سراسر جهان، این «هدیه خدایی» را پاس می‌دارند و به لحاظ پاسداری از هویت فرهنگی خود، برگزار می‌کنند، بارز‌ش‌ترین و مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و مایه و پایه انسجام و همبستگی در جامعه است. به همین دلایل باید با مردم و در جمع مردم برگزار شود تا روح ملی‌گرایی و اهمیت ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و ملی، به‌ویژه برای نسل جوان بیشتر و بهتر آشکار و موجب شود تا آنان از آداب و سنن و میراث فرهنگی واجتماعی خود پاسداری کنند و در نگه‌داشت و بزرگداشت آن بکوشند و به آیندگان منتقل کنند؛ همان کاری که گذشتگان انجام دادند و با برگزاری چنین مراسمی باعث شدند هویت ملی و میهنی ما با همه تهاجمات بیگانگان در طول تاریخ مصون و محفوظ بماند. به عبارت دیگر، آنچه کشور ما را از گزند اجانب و بیگانگان مصون و محفوظ نگه داشت، «سیر فرهنگی» بوده است.

مردم ایران از پیشینه غنی و «سیر فرهنگی» نیرومند خود برخوردار هستند که نه‌فقط تهاجم نظامی را بی‌تأثیر می‌کند، بلکه بیگانگان را نیز مغلوب این فرهنگ درخشان می‌کند و به تسلیم وامی‌دارد. ایرانیان در طول تاریخ با برگزاری عید نوروز و سایر آداب و رسوم خود، توانسته‌اند نام ایران را جاودانه کنند. همچنان که سیاوش کسرانی گفته است: «بر نمی‌شد کر زبام کلبه‌ها دودی/ یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی‌آورد/ ما چه می‌کردیم در کولاک دل آشفته و دم سرد». به همین لحاظ بهتر است نوروز را به نوروزگاه‌ها، تفرجگاه‌ها، سبزه‌زارها، پارک‌ها، مای‌دین شهری و ورزشی و خلاصه به جمع انسان‌ها ببریم. زیرا «زیبایی در جمع انسان‌ها تجلی پیدا می‌کند» و سرمایه فرهنگی و اجتماعی و شادی و نشاط واقعی در کنار افراد دیگر به‌وجود می‌آید.

ادامه در صفحه ۱۳

۹		۸	۷	۱	۳
		۵	۸	۴	
۱	۴				
	۶			۲	
		۲	۵		۷
				۳	
				۱	۷
			۱	۲	۹
۴			۷	۸	۶

۶	۹			۵	۸
			۴	۶	
		۶	۷	۹	۲
۷		۸			۳
	۵	۸		۱	۶
			۱		۷
۷	۴	۱	۸		
				۲	
		۹		۱	
۲		۷			۶

سودوکو سخت ۲۳۵۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۳۵۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

۴	۵	۸	۶	۹	۲	۱	۳	۷
۱	۶	۳	۷	۸	۱	۵	۹	۴
۲	۱	۳	۷	۵	۴	۹	۶	۸
۳	۴	۶	۱	۲	۹	۸	۷	۵
۱	۷	۵	۴	۷	۶	۱	۳	۹
۸	۱	۷	۵	۸	۳	۶	۴	۲
۷	۲	۱	۴	۱	۵	۳	۸	۶
۶	۳	۱	۹	۷	۸	۲	۵	۴
۵	۸	۶	۲	۶	۳	۷	۹	۱

۱	۴	۵	۶	۱	۲	۸	۷	۳
۱	۷	۳	۸	۴	۵	۲	۹	۶
۶	۲	۸	۷	۳	۹	۱	۴	۵
۳	۹	۱	۶	۷	۵	۴	۸	۲
۸	۵	۷	۴	۶	۱	۹	۳	۲
۴	۶	۲	۱	۷	۵	۴	۸	۳
۲	۳	۹	۱	۷	۵	۶	۸	۱
۵	۱	۶	۹	۸	۳	۴	۲	۷
۷	۸	۴	۲	۵	۶	۳	۱	۹

جدول ۲۳۵۳

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

شد - مادر - جامه، لباس - معمّا ۱۰ - کیوتر دشتی
- سرمه - درخت تسبیح ۱۱ - سلیقه - ریزه هر چیز- اوقات خوش آن بود که ... گذشت ۱۲ - از اعمال حج - جسارت - ماه پاییزی - حرف ربط

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

جدول ۳۳۵۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - از هفت سین نوروزی- زندگی مرفه - بانوی منتسب به یک خانواده سلطنتی ۲ - عاشق - لوازم مخصوص نوزاد ۳ - منگ - مسر حضرت ابراهیم(ع) - تابناک ۴ - نوشتاری - ستون - گناه و معصیت ۵ - خمیدگی کاغذ- به‌کارگیری - کتابچه موضوعی ۶ - قلیل- دردها - رطب ۷ - شاعر معیری- بندگان - حمل‌ونقل ۸ - لندهور و بدقواره - براندازی حکومت از طریق ۹ - گوشه‌ای در دستگاه ماهر- مسود ۱۰ - کریستن بر مرده ۱۰ - زلیباف - دربر گیرنده - محل ۱۱ - چوبدستی بزرگ - سفیر - راه شاعرانه ۱۲- مرغ همسایه! - جانشین وضو - گاو شخم‌زن ۱۳ - صحیح - شهرستانی در آذربایجان شرقی - کلمه استثنا ۱۴ - پادشاه معاصر اصحاب کهف - پایتخت سوئد ۱۵ - شهری در شهرستان دماوند - رخت‌شوی - شانه به سر.

عمودی:

۱ - یک ششم - درس عبرت پیشینیان - ریشه‌ای غده‌ای و خوراکی ۲ - به شیوه پادشاهان - سیب آذری - فریبنده زاد و فریبا بمیرد ۳ - گیاه - عید دیدنی ۴ - گشاده - مخزن - سوخت خودرو - زین و برگ اسب - مسیر حرکت ۵ - آب از دستش نمی‌چکد - علوفه‌فروش - اهل سنت‌بودن ۶ - از حروف یونانی - روشن و درخشان - فنی در کشتی ۷ - جوی طبیعی - نوآور - داخل زیارت‌گاه - نگهبان ۸ - شماره‌ها